

# Passive Structure in Saravi Dialect

## A Minimalist Approach

Mazdak Anoushe<sup>1</sup>

The grammatical verb *bayyen* ‘to become’ is found in two apparently different structures in Saravi dialect, i.e. unaccusative structures and passive sentences. Adopting a minimalist perspective, in the former structures, traditionally called copula sentences, the light verb *bayyen* is preceded by a non-verbal element which could be nominal, adjectival, or prepositional, and in the latter structures the auxiliary verb *bayyen*, appearing in the head of functional PassP, follows the past participle form of a transitive verb. Based on the empirical and theoretical evidences, the present study shows that these two structures are identical and there is no passive structure and passive projection in Saravi. This conclusion means that the light verb *bayyen* ‘to become’ cannot be considered as an auxiliary verb in Saravi. In sum, this grammatical verb is only used as a light verb in an unaccusative complex predicate, headed by a non-verbal element.

**Key words:** unaccusative predicate, complex predicate, little vP, Passive Phrase, light verb, auxiliary verb.

---

<sup>1</sup>- Faculty member, Cultural Heritage Organization Anthropology, Language, and Inscriptions Institute    [mazdakanushe@yahoo.com](mailto:mazdakanushe@yahoo.com)

# مسئله مجهول در گویش ساروی

## رویکردی کمینه‌گرا

مزدک انوشه<sup>۱</sup>

### چکیده

در گویش ساروی فعل bayyen (شدن) در دو ساخت نحوی به ظاهر متفاوت به کار می‌رود. از یک سو این فعل به همراه جزء غیرفعلی پیش از خود که ممکن است گروه حرف اضافه‌ای، گروه اسمی یا گروه صفتی باشد، محمول نامفعولی مرکبی می‌سازد و در جملاتی آشکار می‌شود که در سنت دستورنویسی «ساخت اسنادی» خوانده می‌شود. از سوی دیگر، فعل یادشده همراه با صورت صفت مفعولی یک فعل متعدی، در ساخت‌های موسوم به مجهول به کار می‌رود. بر پایه تحلیل‌های دستوری، در ساخت‌های گروه اول، bayyen را باید «فعل سبکی» (ربطی) در نظر گرفت که در هسته گروه فعلی کوچک (vP) ادغام می‌شود و در ساخت‌های گروه دوم، آن را باید فعلی کمکی (معین) برشمرد که در هسته گروه بیشینه مجهول (PassP) تظاهر می‌یابد. در مقاله حاضر سعی بر آن است تا از رهگذر داده‌های زبانی و استدلال‌های نحوی و نیز از منظر برنامه کمینه‌گرا نشان داده شود که گویش مورد نظر فاقد ساخت مجهول و فرافکن بیشینه‌ای به همین نام است و دو ساخت مذکور، اشتقاق نحوی یکسانی دارند. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که در توصیف‌های دستوری از گویش ساروی، فعل bayyen را باید از فهرست فعل‌های کمکی آن خارج کرد. به بیان دیگر، این عنصر تنها در نقش فعل سبک یا همان فعل ربطی به کار می‌رود و صورت صفت مفعولی فعل متعدی در چنین ساختاری، عنصری غیرفعلی است که در هسته گروه محمول (و نه گروه فعلی) ادغام می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** محمول نامفعولی، محمول مرکب، گروه فعلی کوچک، گروه بیشینه

مجهول، فعل سبک، فعل کمکی

## ۱ - مقدمه

مازندرانی (طبری) از گویش‌های شمال غربی ایران است که امروزه در حد فاصل کناره‌های جنوبی دریای خزر تا دامنه‌های شمالی رشته‌کوه‌های البرز و از مرزهای غربی استان گیلان تا سرحدات غربی استان خراسان بدان سخن می‌گویند (شکری، ۱۳۷۴: ۱۳). افزون بر این، در برخی از روستاها و شهرهای واقع در رشته‌کوه‌های البرز، مانند «ولاترو» در شمال تهران و «شهمیرزاد» در سی کیلومتری شمال سمنان گونه‌هایی از این گویش یافت می‌شود که از سنت ادبی کهنی برخوردار است (اشمیت، ۱۳۸۳: ۴۸۹). با این همه، امروزه گویش مازندرانی به دلیل نزدیکی با فارسی و نیز فراگیر شدن رسانه‌های گروهی، همچون بسیاری دیگر از زبان‌ها و گویش‌های ایرانی رو به تغییر است و خطر نابودی نیز آن را تهدید می‌کند؛ چنان‌که حتی در بخش‌های روستایی که غالباً مقاومت بیشتری در برابر تغییرات زبانی از خود نشان می‌دهند، پیوسته از شمار گویشوران آن کاسته می‌شود. تغییرات یادشده نه تنها در حوزه واژگان مازندرانی رخ داده و بسیاری از واژه‌های این گویش در میان اهل زبان به فراموشی سپرده شده، بلکه برخی از ساخت‌های دستوری هم تحت تأثیر زبان فارسی دیگرگونه شده است؛ از جمله نگارنده در روند مصاحبه با چند گویشور دریافته است که برخی از حروف اضافه<sup>۱</sup> پسایند<sup>۲</sup> رفته‌رفته جای خود را به حروف اضافه<sup>۲</sup> پیشایندی<sup>۱</sup> داده‌اند که در زبان فارسی معیار به کار می‌روند.

مقاله حاضر پژوهشی است در نحو گویش مازندرانی و سعی بر آن است تا با رویکردی کمینه‌گرا و از رهگذر تمرکز بر گونه ساروی گویش مازندرانی که در مرکز استان و شهرها و روستاهای اطراف بدان تکلم می‌شود، جملاتی بررسی و تبیین شوند که در سنت دستورنویسی ساخت مجهول خوانده می‌شوند. روند پژوهش بیشتر بر شواهد زبانی و داده‌هایی تکیه دارد که در مصاحبه با برخی از گویشوران منطقه یادشده به دست آمده یا از میان آثار مکتوب یافت شده است؛ آثاری که به گویش مازندرانی یا درباره آن منتشر شده‌اند مانند یزدان‌پناه لموکی (۱۳۷۶)؛ پازواری (۱۳۸۴) است. با این همه، نگارنده در صورت لزوم از شم زبانی خود نیز کم و بیش بهره گرفته است. در این میان، چنانچه یافته‌های پژوهش از شالوده استواری برخوردار باشند، از یک سو می‌توانند در توصیف جامع ساخت‌های نحوی این گویش و به ویژه بازشناسی و طبقه‌بندی فعل‌های کمکی آن سودمند باشند و از سوی دیگر، شواهدی در تأیید آموزه‌های نظری برنامه کمینه‌گرا فراهم آورند. باید اشاره کرد که گذشته از فرهنگ‌ها، واژه‌نامه‌ها و پایان‌نامه‌هایی که درباره گویش ساروی تدوین شده است (مانند نجف‌زاده بارفروش، ۱۳۶۸)، پژوهش‌های نحوی‌ای که مبتنی بر رویکردی زبان‌شناختی باشند، در این عرصه بسیار اندک صورت گرفته است (از جمله شکری، ۱۳۷۴؛ آقاگل‌زاده، منتشرنشده).

<sup>۱</sup> - postposition

<sup>۲</sup> - preposition

بر این اساس، مقاله حاضر در چهار بخش تدوین شده است. پس از مقدمه حاضر، بخش دوم با تکیه بر شواهدی از گویش ساروی و از منظر برنامه کمینه‌گرا، به معرفی ساخت‌های نامفعولی<sup>۱</sup> و بررسی ساختمان جملات موسوم به مجهول می‌پردازد. در این زمینه یادآور می‌شود که برخی از تحلیلگران و دستورنویسان، گویش ساروی را اساساً فاقد ساخت مجهول دانسته‌اند. برای مثال، شکری (۱۳۷۴: ۱۱۹) معتقد است که ساروی صورت مجهول ندارد و اهل زبان به جای آن، از صورت سوم شخص جمع معلوم که در زمان مناسب شده باشد، استفاده می‌کنند. با این همه، یافته‌های زبانی نگارنده نشان می‌دهد که در این گویش از همراهی صورت صفت مفعولی فعل متعدی و فعل bayyen (شدن)، نوعی ساخت نحوی به دست می‌آید که در سنت دستورنویسی ساخت مجهول خوانده می‌شود (گواین که بسامد چنین ساختی از جملاتی که به گفته شکری از صورت سوم شخص جمع معلوم استفاده می‌کنند، کمتر است)؛ مانند نمونه‌های زیر:

- 1 (a). vešun-e letkā-ye bār barut bayye.  
 their-Ez. garden-Ez. fruit sold became-3Sg.  
 'The fruits of their garden were sold.'  
 (b). attā ?embāri inje besāt bune.  
 one storehouse here built become-3Sg.  
 'A storehouse will be built here.'

بدین ترتیب، در بخش دوم پس از معرفی اجمالی ساخت‌های نامفعولی، جملات فوق بر مبنای این انگاره تحلیل می‌شوند که bayyen (شدن) در گویش ساروی فعلی کمکی است و در چارچوب رویکرد کمینه‌گرا به دستور (از جمله، اجر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴)، در هسته گروه بیشینه مجهول (PassP) ادغام<sup>۳</sup> می‌شود و به همراه صورت صفت مفعولی یک فعل متعدی، ساخت مجهول را تشکیل می‌دهد.

در بخش سوم، به پیروی از کریمی (۲۰۰۵: ۱۰۸) ساختاری نحوی برای محمول‌های مرکب<sup>۴</sup> پیشنهاد می‌شود و در قالب آن، اشتقاق نحوی جملاتی بررسی می‌شود که در دستور سنتی «ساخت اسنادی» خوانده می‌شوند و در گویش ساروی از همراهی فعل bayyen و یک عنصر غیرفعلی (گروه اسمی، صفتی یا حرف اضافه‌ای) شکل می‌گیرند. بر مبنای این تحلیل، bayyen فعل سبکی<sup>۵</sup> است که در هسته گروه فعلی کوچک (VP) ادغام می‌شود و همراه با عنصر واژگانی پیش از خود، محمول نامفعولی مرکبی می‌سازد. نمونه‌ای از چنین ساختی در نمونه (2) آمده است:

2. vačun vešnā bayne.  
 kids hungry became-3Pl.  
 'The kids felt hungry.'

<sup>۱</sup> - unaccusative

<sup>۲</sup> - Adger

<sup>۳</sup> - merge

<sup>۴</sup> - complex predicate

<sup>۵</sup> - light verb

سرانجام در بخش پایانی مقاله، دو ساخت نحوی مورد نظر، یعنی ساخت‌های موسوم به مجهول (با فعل bayyen در هسته گروه بیشینه مجهول) از یک‌سو، و محمول‌های نامفعولی مرکب (با فعل bayyen در هسته گروه فعلی کوچک) از سوی دیگر، از رهگذر شواهد زبانی، استدلال‌های نحوی و آموزه‌های نظری، بررسی و مقایسه می‌شوند و در این روند، نتیجه گرفته می‌شود که آنچه در این گویش ساخت مجهول به نظر می‌رسد، در واقع محمول نامفعولی مرکبی است که در آن، فعل bayyen، نه در هسته گروه مجهول، که در هسته گروه فعلی کوچک تظاهر می‌یابد. به بیان دیگر، گویش ساروی فاقد ساخت مجهول و لاجرم فرافکن بیشینه مجهول است و در واقع، این دو ساخت نحوی به ظاهر متفاوت، اشتقاق نحوی یکسانی دارند. این نتیجه‌گیری بدین معناست که در توصیف گویش ساروی، فعل bayyen (شدن) را باید در هر حال از فهرست فعل‌های کمکی آن خارج کرد.

## ۲ - محمول‌های نامفعولی

در طبقه محمول‌های تک‌ظرفیتی، یعنی محمول‌هایی که تنها یک نقش معنایی<sup>۱</sup> برای اعطا کردن به یک موضوع<sup>۲</sup> دارند، برخی با یک کنشگر<sup>۳</sup> و برخی دیگر با یک کنش‌پذیر<sup>۴</sup> ادغام می‌شوند (اجر، ۲۰۰۴: ۸۰) که از آن میان، گروه اول محمول‌های غیرارگتیو<sup>۵</sup> (جمله 3a) و گروه دوم محمول‌های نامفعولی خوانده می‌شوند (جمله 3b):

- (3) a. Ali dišu burde.  
Ali last night went-3Sg.  
'Ali went last night.'  
b. Ali dišu dakete.  
Ali last night fell-3Sg.  
'Ali fell last night.'

بر اساس تحلیل گروه فعلی لایه‌ای<sup>۶</sup> (ردفورد<sup>۷</sup>، ۲۰۰۹: ۳۶۲)، در جمله نخست کنشگر که سبب سبب رویداد (burden) (رفتن) است، در جایگاه دختر گروه فعلی کوچک (VP) یا به گفته دقیق‌تر، در مشخص‌گر<sup>۸</sup> آن قرار می‌گیرد و در جمله دوم، کنش‌پذیر که متحمل رویداد بدون سبب (daketen) (افتادن) است، در جایگاه دختر گروه فعلی بزرگ (VP) یا به عبارتی، در مشخص‌گر آن آشکار

<sup>۱</sup> - thematic ( $\theta$ ) role

<sup>۲</sup> - argument

<sup>۳</sup> - agent

<sup>۴</sup> - patient

<sup>۵</sup> - unergative

<sup>۶</sup> - VP-shell analysis

<sup>۷</sup> - Radford

<sup>۸</sup> - specifier



مشخصه نقش معنایی<sup>۱</sup> آن برآورده می‌شود، این عنصر برچسب ساخت حاصل از ادغام (VP) را تعیین می‌کند (هورنشتین، ۲۰۰۹: ۳۰). سپس برون‌داد این مرحله با هسته گروه فعلی کوچک که گره مشخص‌گر و حالت مفعولی ندارد، ادغام می‌شود و هسته گروه فعلی به منظور بازبینی مشخصه تعبیرناپذیر و قوی<sup>۲</sup> [uV\*] بر روی هسته فعلی کوچک (اوراثرت<sup>۳</sup> و دیگران ۲۰۰۶)، به این هسته ارتقاء می‌یابد و به آن منضم می‌شود. بار دیگر از آنجا که در این فرایند، مشخصه تعبیرناپذیر هسته فعلی کوچک برآورده می‌شود، این عنصر برچسب ساخت حاصل از ادغام را تعیین می‌کند (VP). پس از ادغام ساخت گروه فعلی کوچک با هسته گروه زمان (TP) که دارای مجموعه مشخصه‌های [Past, unom, uD\*, uΦ] است (اجر، ۲۰۰۴: ۲۲۰)، مجموعه<sup>۷</sup> v به همراه فعل اصلی که پیشتر به آن متصل شده است، برای بازبینی مشخصه تصریف<sup>۴</sup> قوی خود به هسته تهی گروه زمان هسته انتها انتها ارتقاء می‌یابد<sup>۵</sup> و از طریق مشخصه [Past] ارزش‌گذاری و بازبینی می‌شود. بدین ترتیب، فعل اصلی در بازنمون<sup>۶</sup> با صورت تصریفی گذشته تلفظ می‌شود.

حالت فاعلی بر روی گروه اسمی کنش‌پذیر یا موضوع درونی محمول بازبینی می‌شود، زیرا گروه اسمی دیگری که به هسته گروه زمان نزدیک‌تر باشد، در دسترس نیست (شرط پیوند کمینه، چامسکی، ۱۹۹۵: ۳۱۱؛ فرایند مداخله<sup>۷</sup>، اجر، ۲۰۰۴: ۲۱۸). به همین ترتیب، مشخصه تعبیرناپذیر شخص و شمار ([uΦ]) هسته گروه زمان از رهگذر تطابق با همتای تعبیرپذیر خود بر روی گروه اسمی کنش‌پذیر، بنا به فرایند کپی کردن مشخصه‌ها<sup>۸</sup> و اصل نیاز به بازبینی<sup>۹</sup>، ارزش‌گذاری، بازبینی و سرانجام حذف می‌شود:

<sup>۱</sup> - θ-feature

<sup>۲</sup> - علامت ستاره (\*) نشانگر قوی (strong) بودن مشخصه است.

<sup>۳</sup> - Everaert

<sup>۴</sup> - inflection (Infl)

<sup>۵</sup> - قوی بودن مشخصه یادشده و ارتقاء مجموعه هسته گروه فعلی کوچک به همراه فعل اصلی به هسته گروه زمان موضوع پژوهش حاضر نیست و از این رو، در اینجا از بحث درباره آن خودداری می‌شود. با این همه، باید اشاره کرد که در گویش ساروی شواهدی مبنی بر خروج فعل اصلی از درون گروه فعلی کوچک یافت می‌شود. از جمله آن که در ساخت‌های همپایه، پس از حذف VP و موضوعات درون گروه فعلی، فعل اصلی همچنان باقی می‌ماند و چنانچه جمله دارای فعل کمکی نشانگر نمود کامل باشد، هر دو فعل اصلی و کمکی به جای می‌مانند (برخلاف انگلیسی که مشخصه تصریف فعل اصلی ضعیف است و در حذف VP، فعل اصلی به همراه موضوعات درونی فعل حذف می‌شود). این نکته نشان می‌دهد که فعل اصلی در مرحله‌ای از اشتقاق از درون گروه فعلی کوچک خارج می‌شود.

<sup>۶</sup> - spellout

<sup>۷</sup> - intervention

<sup>۸</sup> - feature-copying

<sup>۹</sup> - checking requirement

## ۲-۱-۱- کپی کردن مشخصه‌ها

اگر عنصر  $\alpha$  با مشخصه [F] ارزش گذاری شده باشد؛ و عنصر  $\beta$  با مشخصه [F] ارزش گذاری نشده باشد؛ و نیز عنصر  $\beta$  با عنصر  $\alpha$  تطابق داشته باشد؛ آنگاه: ارزش مشخصه [F] از روی عنصر  $\alpha$  بر روی عنصر  $\beta$  کپی می‌شود.

(ردفورد، ۲۰۰۶: ۲۱۳)

## ۲-۱-۲- نیاز به بازبینی

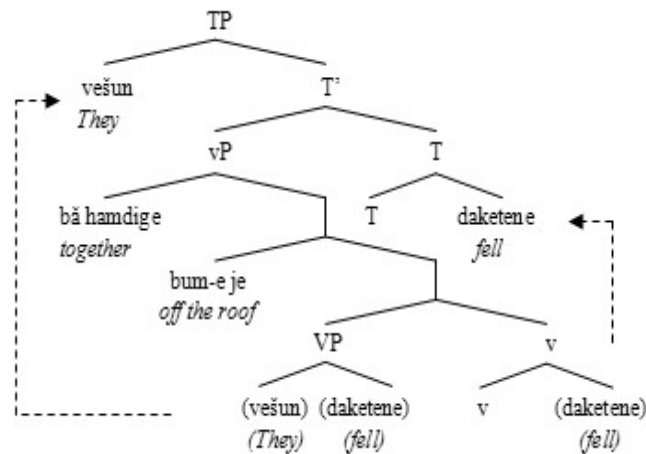
مشخصه‌های تعبیرناپذیر باید در سطح صورت منطقی (LF) بازبینی و سپس حذف شوند. (اجر، ۲۰۰۴: ۸۵). سرانجام، مشخصه قوی EPP نیز با ارتقاء گروه اسمی یادشده به مشخص گر گروه زمان برآورده می‌شود. در این زمینه، خوش ساخت بودن جمله‌ای مانند (4) در زیر نشان می‌دهد که مرجع ضمیر دوسویه<sup>۱</sup>، یعنی vešun (آنها)، در جایگاه سازه‌فرمانی کننده قرار دارد. به گفته دقیق‌تر، از آنجا که موضوع درونی نمی‌تواند از درون گروه فعلی بر ضمیر دوسویه که مرز گروه فعلی کوچک را مشخص می‌کند (اجر، ۲۰۰۴: ۱۰۴، مفهوم سازه‌فرمانی)، سازه‌فرمانی کند، می‌توان نتیجه گرفت که این عنصر در مرحله‌ای از اشتقاق از محل ادغام خود خارج شده و به مشخص گر گروه زمان ارتقاء یافته است:

4. vešun bā hamdige bum-e je daketene.  
they with together roof-Ez. from fell-3Pl.  
'They fell off the roof together.'

در این زمینه باید یادآور شد که حضور موضوع درونی در جایگاه سازه‌فرمانی کننده دست کم به دو دلیل حاصل از جابه‌جایی این عنصر به مشخص گر یک گروه بیشینه تأکید (FocP) و در پی فرایندی همچون مبتداسازی<sup>۲</sup> نیست. نخست آن که جمله (4) نزد گویشوران بی‌نشان است و دوم این که در فرایندهای تأکید و مبتداسازی مرجع باید پیش از حرکت بر ضمیر دوسویه سازه‌فرمانی کند و روابط روساختی آنها در این روند دخیل نیست (کریمی، ۲۰۰۵: ۱۷۴). بنابراین، حتی اگر جمله (4) را نشاندار بدانیم، سازه‌فرمانی موضوع درونی بر ضمیر دوسویه باید پیش از حرکت آن به جایگاهی مبتدگونه صورت گیرد. از این منظر، مشخص گر گروه زمان محل فرود مناسبی برای عنصر یادشده به نظر می‌رسد. بر این اساس، نمایش ساخت نامفعولی (4) به صورت نمودار زیر خواهد بود که در آن از جزئیات مربوط به بازنمایی مشخصه‌ها صرف نظر شده است:

<sup>۱</sup>- reciprocal

<sup>۲</sup>- topicalization



در مجموع، به نظر می‌رسد تحلیلی که در اینجا برای ساخت‌های نامفعولی و بر مبنای دو ویژگی گروه فعلی کوچک نامفعولی، یعنی نبود جایگاه مشخص‌گر برای موضوع بیرونی و نداشتن حالت مفعولی، ارائه شده است، دگرگفتی برای تعمیم بورزیو<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) به شمار می‌رود:

### ۲-۱-۳- تعمیم بورزیو

الف - فعلی که موضوع بیرونی ندارد، نمی‌تواند حالت مفعولی بدهد.  
 ب - فعلی که حالت مفعولی ندارد، نمی‌تواند به یک موضوع بیرونی نقش معنایی بدهد.  
 این تعمیم تصریح می‌کند که یک فعل تنها اگر به فاعلش نقش معنایی بدهد، می‌تواند حالت مفعولش را بازیابی کند. بر اساس آنچه گفته شد، در زیربخش بعدی به اشتقاق نحوی جملات مجهول می‌پردازیم که دارای اشتراک‌هایی با ساخت‌های نامفعولی است.

### ۲-۲- ساخت جملات مجهول

در چارچوب برنامه کمینه‌گرا، فعل سبک (V) مسئول اعطای نقش بیرونی و بازیابی حالت مفعولی است (ردفورد، ۲۰۰۶: ۲۵۰-۲۵۴). بنابراین انتظار می‌رود فرایند مجهول‌سازی که صرف فعل را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بر دو ویژگی یادشده آن نیز اثر بگذارد (هورنشتین و دیگران، ۲۰۰۵: ۲۶). بر این اساس، در تحلیل‌های دستوری از دو ویژگی ساخت‌های مجهول یاد می‌شود (هگمن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵، ۳۲۰):  
 الف - جذب ویژگی اعطای حالت (در طرح حاضر: بازیابی حالت) مفعولی از فعل؛

<sup>۱</sup>- Burzio

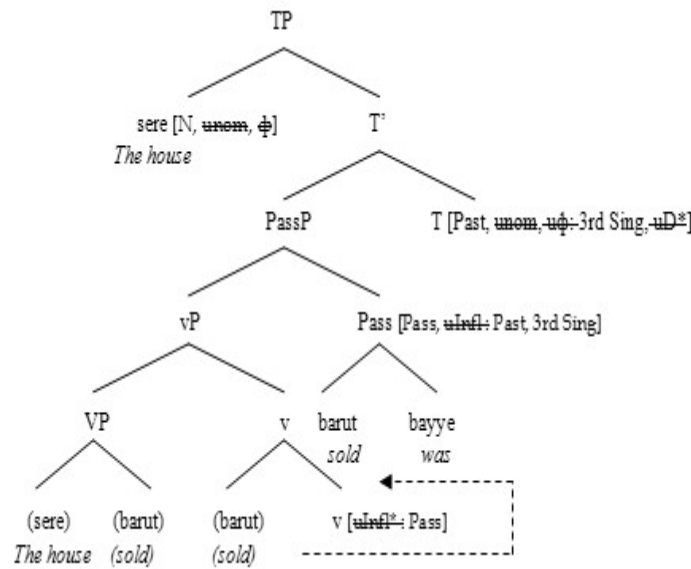
<sup>۲</sup>- Haegeman

ب - حذف موضوع بیرونی از ساخت نحوی و تهی ماندن جایگاه تولید فاعل. بر پایهٔ تعمیم بورزیو (۱۹۸۶) دربارهٔ افعال نامفعولی، فعلی که موضوع بیرونی ندارد، نمی‌تواند حالت مفعولی بدهد و فعلی که نتواند حالت مفعولی به متمم خود بدهد، نمی‌تواند به موضوع بیرونی نقش معنایی اعطا کند. از این رو، با توجه به ویژگی‌های فعل‌های مجهول در الف و ب، این افعال را می‌توان در گروه محمول‌های نامفعولی قرار داد. در رویکرد کمینه‌گرا به ساخت نحوی زبان، جملات مجهول ساختار ویژه‌ای ندارند؛ بلکه تنها یک فرافکن بیشینهٔ مجهول (PassiveP) یا به اختصار (PassP) که گروهی نقش‌نما<sup>۱</sup> است، به اشتقاق افزوده می‌شود و فعل کمکی مجهول‌ساز در هستهٔ آن قرار می‌گیرد (اجر، ۲۰۰۴: ۲۲۹). طبیعتاً این هستهٔ نقش‌نما مجموعه‌ای از رفتارهای نحوی را دربر می‌آورد و بر صرف فعل اصلی اثر می‌گذارد. اکنون بر پایهٔ این رویکرد و با توجه به حضور یک فرافکن نقش‌نمای مجهول، ساخت جملهٔ (5b) را در نظر می‌گیریم که ظاهراً صورت مجهول جملهٔ (5a) است:

- 5 (a). Ali sere-re barute.  
 Ali house-re sold-3Sg.  
 'Ali sold the house.'  
 (b). sere barut bayye.  
 house sold became-3Sg.  
 'The house was sold.'

گروه اسمی Ali که نقش معنایی کنش‌پذیر دارد، در جایگاه خواهر هستهٔ گروه فعلی ادغام می‌شود و برای بازبینی مشخصهٔ EPP، به جایگاه روساختی فاعل می‌رود. از آنجا که فعل‌های مجهول نیز مانند محمول‌های نامفعولی نمی‌توانند حالت مفعولی متمم خود را بازبینی کنند و فاعل موضوعی ندارند، گروه فعلی کوچک در این ساخت‌ها نیز بدون گره مشخص‌گر است (ردفورد، ۲۰۰۹: ۲۴۹). بر اساس این تحلیل، چنانچه وجود ساخت مجهول را در ساروی ببینیم، نمایش جملهٔ (5b) به صورت نمودار ۳ خواهد بود:

<sup>۱</sup> - functional



بر اساس نمودار بالا، هسته گروه مجهول (گره Pass) که بر هسته گروه فعلی کوچک سازه‌فرمانی می‌کند، هدف نزدیک‌تری برای هسته گروه زمان به شمار می‌رود و از این رو طبق اصل کوتاه‌ترین جذب<sup>۱</sup> (هورنشتین، ۲۰۰۹: ۴۹) یا کوتاه‌ترین حرکت<sup>۲</sup> (اورائرت و دیگران، ۲۰۰۶: ۱۱۹/۳، ۲۹۹/۳) مشخصه زمان را به خود جذب می‌کند. همچنین، مشخصه شخص و شمار ([Φ]) موضوع درونی فعل که در نبود موضوع بیرونی، به مشخص‌گر گروه زمان حرکت کرده، از طریق هسته گروه زمان به هسته گروه مجهول انتقال یافته است. از سوی دیگر، مشخصه تصریف هسته گروه فعلی کوچک قوی است و بنابراین، در روند ارزش‌گذاری و بازبینی از سوی مشخصه تعبیرپذیر هسته گروه مجهول، به گره اخیر ارتقاء و اتصال یافته است. بر اساس چنین رویکردی و در صورت پذیرفتن تحلیل بالا، ویژگی‌های ساخت موسوم به مجهول گویش ساروی را می‌توان در قالب زیر جمع‌بندی کرد:

- الف - bayyen (شدن) فعل کمکی است که در هسته گروه پیشینه مجهول قرار می‌گیرد.  
 ب - عنصر واژگانی پیش از فعل bayyen، هسته گروه فعلی بزرگ را تشکیل می‌دهد.  
 پ - فعل واژگانی به همراه مجموعه v به هسته گروه پیشینه مجهول متصل می‌شود.

<sup>۱</sup>- shortest attract

<sup>۲</sup>- shortest movement

مهم‌ترین مزیت این رویکرد آن است که در تبیین ساخت‌های مجهول، از سازوکاری بهره می‌گیرد که در تحلیل دیگر داده‌های زبانی و از جمله ساخت نمود کامل به کار می‌رود (اجر، ۲۰۰۴: ۱۷۲). در این میان، انگیزهٔ افزودن گره نقش‌نمای Pass به ساختار نحوی، حضور فعل کمکی در جمله است که بر جهت<sup>۱</sup> دستوری دلالت می‌کند. این گره که مانند دیگر فعل‌های کمکی دارای مشخصهٔ تصریف است، بلافاصله گروه فعلی کوچک را برمی‌گزیند و چنانچه بر فراز آن گره نقش‌نمای دیگری با مشخصهٔ مشابه نباشد، مشخصهٔ زمان (و شخص و شمار) هستهٔ گروه زمان را به خود جذب می‌کند. در بخش بعدی، به پیروی از کریمی (۲۰۰۵: ۱۰۸) ساخت محمول‌های مرکب و در قالب آن، اشتقاق نحوی محمول‌های نامفعولی مرکب که نمونه‌ای از آن پیشتر در مثال (2) آمده است، بررسی می‌شود.

### ۳- محمول‌های مرکب

در گویش ساروی، همچون زبان فارسی، فعل‌های مرکب فراوانی یافت می‌شوند که از همراهی یک جزء واژگانی و یک عنصر فعلی، یا در واقع، یک فعل سبک ساخته می‌شوند. این جزء واژگانی می‌تواند گروه‌های مختلف نحوی، از جمله گروه حرف اضافه‌ای، گروه اسمی یا گروه صفتی را دربرگیرد. در جمله‌های زیر نمونه‌هایی از فعل مرکب در گویش ساروی آمده است:

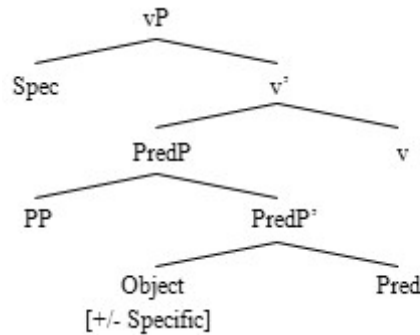
6. Ali letkã-ye je [pp bálã burde].  
Ali ladder-EZ. from [pp up went-3Sg].  
'Ali climbe up the ladder.'
7. vače [NP bene baxerde].  
the kid [NP earth collided-3Sg].  
'The kid fell onto the ground.'
8. vene mår se-tã vače [AP gat hãkorde].  
his/her mother three child [AP growing did-3Sg].  
'His/her mother brought up three children.'

در جملهٔ (6)، فعل لازم bálã burden (بالا رفتن) از ترکیب یک اسم (یا قید) و یک فعل سبک، در جملهٔ (7)، فعل نامفعولی bene baxerden (زمین خوردن) از همراهی یک اسم و یک فعل سبک، و در جملهٔ (8)، فعل متعدی gat hãkorden (بزرگ کردن) از درآمیختن یک صفت و یک فعل سبک تشکیل شده است.

<sup>۱</sup> - voice

کریمی (۲۰۰۵: ۱۰۸) ساخت زیر را برای گروه فعلی کوچک پیشنهاد می‌دهد که در آن گروه محمول مرکب (PredP) متمم هسته گروه فعلی کوچک است و فرافکن‌های پیشینه مختلفی، از جمله گروه فعلی را در برمی‌گیرد:

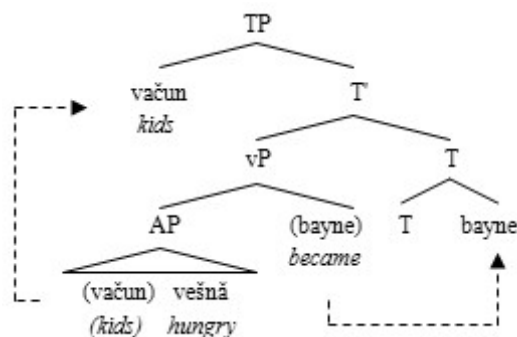
نمودار ۴-



(کریمی ۲۰۰۵: ۱۰۲-۱۰۸)

در این میان، به نظر می‌رسد که طرح حاضر با پیشنهاد وی سازگار است. بر این اساس، ساخت جمله (9a) در زیر شامل محمول نامفعولی مرکب *vešná bayyen* (گرسنه شدن)، به صورت نمودار ۵ خواهد بود. در این نمودار، صفت *vešná* (گرسنه)، در نقش هسته محمول مرکب، با موضوع درونی *vačun* (بچه‌ها) ادغام شده و فعل سبک *bayyen* (شدن) در هسته گروه فعلی کوچک نامفعولی که فاقد جایگاه مشخص‌گر است، تظاهر یافته است. در فرایند ارزش‌گذاری و بازبینی مشخصه‌ها، فعل سبک یادشده به همراه مجموعه *v* به هسته گروه زمان ارتقاء یافته تا از این رهگذر مشخصه تصریف قوی فعل در مجاورت هسته گروه زمان ارزش‌گذاری و بازبینی شود. موضوع درونی، با نقش معنایی کنش‌پذیر، بدون تخطی از شرط پیوند کمینه به مشخص‌گر گروه زمان جابه‌جا شده و بدین ترتیب، ضمن بازبینی حالت فاعلی خود، مشخصه قوی EPP را برآورده کرده است. مشخصه تعبیرناپذیر  $[u\Phi]$  هسته گروه زمان پس از گرفتن ارزش شخص و شمار از مشخصه  $[\Phi]$  گروه اسمی مورد نظر، بازبینی می‌شود و مشخصه تصریف فعل سبک این ارزش‌ها را از روی هسته گروه زمان جذب می‌کند. بدین ترتیب، فعل سبک در بازنمون با صورت آوایی گذشته سوم شخص جمع آشکار می‌شود:

- 9 (a). *vačun vešná bayne.*  
 Kids hungry became-3Pl.  
 'The kids felt hungry.'



در تقابل با جمع‌بندی صفحه ۳۲ و با توجه به تحلیل بالا، ویژگی‌های ساخت نامفعولی مرکب گویش ساروی را می‌توان در قالب زیر خلاصه کرد:

الف - bayyen (شدن) فعل سبک است که در هسته گروه فعلی کوچک قرار می‌گیرد.

ب - عنصر واژگانی پیش از فعل bayyen، هسته گروه محمول را تشکیل می‌دهد.

پ - فعل سبک به همراه مجموعه V به هسته گروه زمان متصل می‌شود.

بدین ترتیب و بر اساس آنچه تاکنون گفته شده است، ظاهراً دو نوع گروه فعلی کوچک فاقد جایگاه مشخص‌گر را می‌توان از هم بازشناخت. نخست، محمول‌های نامفعولی که ممکن است ساده (مانند daketen، افتادن) یا مرکب (مانند vešná bayyen، گرسنه شدن) باشند و دوم، ساخت‌های موسوم به مجهول که واجد فعل کمکی bayyen و فرافکن بیشینه مجهول (PassP) هستند. در این میان، نمایش درختی ساخت‌های گروه نخست به صورت نمودار ۵ است که چنانچه در آن محمول نامفعولی جمله ساده باشد، یک گروه بیشینه فعلی در جایگاه دختر گروه فعلی کوچک قرار می‌گیرد (به ترتیبی که در نمودار ۱- ب مشاهده شده است). همچنین، نمایش درختی ساخت‌های گروه دوم، یعنی جملات موسوم به مجهول، به صورت نمودار ۳ است.

در بخش بعدی، این دو اشتقاق نحوی به ظاهر متفاوت از رهگذر داده‌های زبانی و آموزه‌های نظری بررسی و مقایسه می‌شوند و در این روند نشان داده خواهد شد که دو ساختار مورد نظر در واقع همسان‌اند. به سخن دیگر، آنچه در این گویش ساخت مجهول خوانده می‌شود، همان ساخت نامفعولی مرکب است که در آن فعل bayyen (شدن)، نه در هسته فرافکن بیشینه مجهول، که در هسته گروه فعلی کوچک ادغام می‌شود.

## ۴- ردّ تحلیل مجهول

در بخش‌های گذشته دو ساخت نحوی متفاوت با گروه فعلی کوچک فاقد مشخص‌گر معرفی شد و در این زمینه دو اشتقاق نحوی مختلف به جمله‌ای مانند (10) از یک سو و جمله‌ای همچون (11) از سوی دیگر نسبت داده شد که به ترتیب در نمودار ۶ و ۷ آمده‌اند. چنان‌که می‌دانیم، در سنت دست‌نویسی، نمونه (10) ساخت اسنادی و نمونه (11) ساخت مجهول خوانده می‌شود (گیوی و انوری، ۱۳۶۷: ۶۸-۷۰). در جمله (10) یک صفت بسیط (یا همان مسند) پیش از فعل ربطی bayyen آمده و در جمله (11) ساخت صفت مفعولی یک فعل متعدی پیش از فعل کمکی (?) bayyen آشکار شده است:

10. merqene-ä šet bayne.

egg-s rotten became-3Pl.

'Eggs got rotten.'

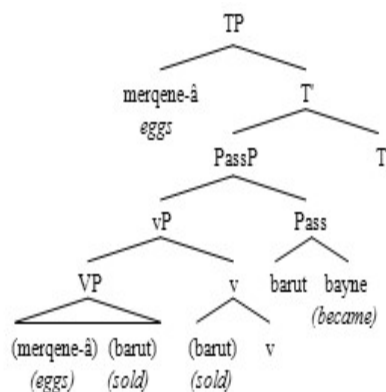
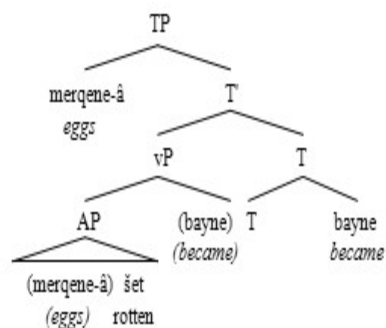
11. merqene-ä barut bayne.

egg-s sold became-3Pl.

'Eggs were sold.'

نمودار ۶

نمودار ۷



در بخش حاضر، شواهد و استدلال‌هایی در ردّ ساخت نمودار ۷ ارائه می‌شود و در این زمینه پیشنهاد می‌شود که اشتقاق نحوی جمله (11) نیز به صورت بازنمایی نمودار ۶ است. به سخن دیگر، این شواهد نشان می‌دهد که گویش ساروی فاقد گروه پیشینه مجهول است و فعل bayyen در جملاتی مانند (11) - همچون جمله (10) - فعل کمکی مجهول‌ساز نیست و لاجرم، به جای هسته گروه مجهول، در هسته گروه فعلی کوچک قرار می‌گیرد.

## ۴ - ۱ - همکردهای چندگانه

چنان که در بخش‌های گذشته اشاره شد، در گویش ساروی، همچون زبان فارسی معیار، فعل‌های مرکب از ادغام یک جزء غیرفعلی که می‌تواند حرف اضافه، اسم یا صفت باشد و یک عنصر فعلی ساخته می‌شوند و فعل مرکبی که از این طریق شکل می‌گیرد، با توجه به تعداد و نقش معنایی موضوعاتی که می‌پذیرد، می‌تواند لازم (مانند در رفتن)، متعدی (مانند بالا بردن)، دومفعولی (مانند اختصاص دادن) یا نامفعولی (مانند سقوط کردن) باشد. برخی از فعل‌های سبک یا همکردهایی که در گویش ساروی در ساختمان فعل مرکب به کار می‌روند، در زیر آمده‌اند:

فعل مرکب	فعل سبک	جزء غیرفعلی
bene baxerden	baxerden	bene
<i>to fall</i>	<i>to collide</i>	<i>earth</i>
berme hăkorden	hăkorden	berme
<i>to cry</i>	<i>to do</i>	<i>cry</i>
dar baverden	baverden	dar
<i>to steal</i>	<i>to carry</i>	<i>particle</i>
čăk hedă?en	hedă?en	čăk
<i>to tear</i>	<i>to give</i>	<i>torn</i>
du bayten	bayten	du
<i>to run</i>	<i>catch</i>	<i>run</i>

جدول (۱) - برخی از فعل‌های سبک در گویش ساروی

همان‌گونه که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، در گویش ساروی فعل‌های سبک گوناگونی در ساختمان فعل مرکب به کار می‌رود. از سوی دیگر، چنانچه این گویش را واجد ساخت مجهول بدانیم، انتظار می‌رود که یک فعل کمکی واحد، یا صورت‌های آوایی مختلف یک فعل کمکی واحد، یعنی فعل bayyen (شدن)، در ساخت جملات مجهول به کار رود. با این همه، چنان که داده‌های زیر نشان می‌دهد، این پیش‌بینی صحیح نیست و همان‌گونه که در محمول‌های مرکب لازم و متعدی و دومفعولی، فعل‌های سبک مختلفی یافت می‌شود، در ساخت‌هایی که گمان می‌رود مجهول هستند، فعل‌های سبک گوناگونی یافت می‌شوند و نمی‌توان همه آنها را با فعل bayyen صرف کرد:

- 12 (a). vešun-e sere barut bayye.  
 their-Ez. house sold became-3Sg.  
 'Their house was sold.'
- (b). vene jeme čăk bayte/\* bayye.  
 his/her shirt torn catch-3Sg./ \* became  
 'His/her shirt was torn.'

(c). ?ame ?embäri-ye čine le burde/\* bayye.  
 our storehouse-Ez. wall lain went-3Sg./ \* became  
 'The wall of our storehouse was destroyed.'

در جمله‌های (12b) و (12c) مشاهده می‌شود که هیچ یک از دو فعل مرکب *čäk bayten* (پاره شدن) و *le burden* (خراب شدن / افتادن) - به ترتیب از فعل‌های متعدی *čäk hedä?en* (پاره کردن) و *le hedä?en* (خراب کردن / انداختن) - نمی‌توانند با فعل سبک *bayyen* (شدن) ساخته شوند و از این رو، دست‌کم این نوع فعل‌ها را نمی‌توان مجهول دانست. به سخن دیگر، اگر نمونه‌های یادشده دارای ساخت مجهول بودند، انتظار می‌رفت که جزء واژگانی آنها با یک فعل کمکی واحد (*bayyen*) صرف شود.

در این زمینه، یادآور می‌شود که در برخی از تحلیل‌های نحوی، از جمله شریعت (۱۳۶۴)، ساخت‌های مشابه در زبان فارسی، جمله مجهول به شمار رفته‌اند. برای مثال، شریعت (۱۳۶۴: ۱۶۷) یادآور می‌شود که فعل مجهول از صفت مفعولی فعل اصلی و فعل «شدن» ساخته می‌شود، اما می‌توان به جای صفت مفعولی از کلمه دیگری استفاده کرد که معنای اسم مفعول یا صفت مفعولی دهد. بر این اساس، نزد وی جملاتی مانند (۱۳- الف) و (۱۳- ب) دارای ساخت مجهول هستند:

۱۳- الف - تکالیف نوروزی دانش‌آموزان تعیین شد.

ب - شاگرد اول مدرسه تشویق شد.

جملات (12b) و (12c) در بالا نشان می‌دهند که در گویش ساروی دست‌کم این نوع ساخت‌ها را نمی‌توان مجهول دانست و آنها را باید محمول‌های نامفعولی مرکبی در نظر گرفت که ساختاری مانند جمله (10) دارند؛ با این تفاوت که فعل سبک در آنها عنصری به‌جز *bayyen* است.

#### ۴-۲ - فعل کمکی و فعل سبک

در گویش ساروی دو نوع فعل کمکی یافت می‌شود که همراه با صورت صفت مفعولی فعل واژگانی، در ساخت‌های گذشته کامل (جمله 14a) و گذشته التزامی (جمله 14b) به کار می‌روند:

14 (a). Ali sere-re barut bi?e.

Ali house-re sold had-3Sg.

'Ali had sold the house.'

(b). Ali šäyad sere-re barut bu?e.

Ali maybe house-re sold might-3Sg.

'Ali might sell the house.'

بر اساس رویکرد کمینه‌گرا به دستور، فعل کمکی نشانگر نمود کامل در هسته گروه نمود کامل (PerfP) قرار می‌گیرد و فعل کمکی‌ای که در ساخت التزامی به کار می‌رود، در گروه فعل‌های

<sup>۱</sup> - یادآور می‌شود که گویش ساروی فاقد ساخت ماضی نقلی و لاجرم فعل کمکی نشانگر زمان / نمود حال کامل است.

وجهی طبقه‌بندی می‌شود و در هسته گروه زمان (TP) تظاهر می‌یابد (از جمله اجر، ۲۰۰۴؛ طالقانی، ۲۰۰۶). افزون بر این، چنانچه گویش ساروی را واجد ساخت مجهول بدانیم، فعل bayyen (شدن) در این ساخت را باید به فهرست فعل‌های کمکی این زبان بیفزاییم (طبق جمع‌بندی الف در صفحه ۳۲) و آن را در هسته گروه مجهول قرار دهیم. با این همه، چنان‌که شواهد این زیربخش و زیربخش بعدی نشان می‌دهند، فعل اخیر از یک سو رفتارهای نحوی کاملاً متفاوتی با دیگر فعل‌های کمکی این گویش دارد و از سوی دیگر، دارای همسانی‌های آشکاری با فعل‌های سبکی است که در ساختمان افعال مرکب (نامفعولی یا جز آن) به کار می‌روند.

همان‌گونه که در بخش دوم اشاره شد، مشخصه تصریف هسته گروه فعلی کوچک در گویش ساروی قوی است (زیرنویس صفحه ۶) و در روند بازبینی خود سبب ارتقاء این هسته و فعل اصلی به گره بازبینی‌کننده دارای مشخصه متناظر می‌شود تا بدین ترتیب، گره‌های بازبینی‌کننده و بازبینی‌شونده در مجاورت هم قرار گیرند. گره میزبان مشخصه مورد نظر در ساخت (14a) هسته گروه نمود کامل و در ساخت (14b) هسته گروه زمان است. به سخن دیگر، در دو جمله یادشده فعل اصلی در مراحل اشتقاق نحوی به فعل کمکی منضم می‌شود و از این رو، انتظار می‌رود که پس از حذف گروه فعلی کوچک و موضوع درونی گروه فعلی در ساخت‌های همپایه، فعل اصلی و کمکی - هر دو - بر جای بمانند. ساخت دستوری (15a) یا جمله نادرستی (15b) این پیش‌بینی را تأیید می‌کنند:

- 15 (a) . . . vali ?emă na-rute bimi.  
 . . . but we Neg-sold had-1Pl.  
 (b) . \* . . vali ?emă na-rute/ \* nay-bimi.  
 \* . . . but we Neg-sold/ \* Neg-had-1Pl.

نمونه (15b) نشان می‌دهد که تظاهر هر یک از دو فعل اصلی یا کمکی به تنهایی جمله‌ای غیردستوری تولید می‌کند که این نکته انضمام دو عنصر فعلی به یکدیگر را تأیید می‌کند. یادآور می‌شود که در برخی از زبان‌های فعل‌انتهای نیز، مانند آلمانی معیار، همین پدیده مشاهده می‌شود و هسته‌های فعلی با انضمام به هسته فعلی بالاتر، همراه با هم تشکیل یک سازه می‌دهند (چینکوئه،<sup>۲</sup> ۱۹۹۹: ۵۸).

<sup>۱</sup> - در زبان انگلیسی مشخصه تصریف هسته گروه فعلی کوچک ضعیف است و در نتیجه، در روند بازبینی مشخصه تصریف، فعل اصلی از درون این گروه خارج نمی‌شود. پس از حذف گروه مورد نظر در ساخت‌های همپایه یا در پرسش تأییدی (tag question)، فعل اصلی نیز حذف می‌شود و تنها فعل کمکی یا وجهی به جای می‌ماند. نبود چنین فعل‌هایی در ساختار جمله به درج یکی از صورت‌های صرفی فعل کمکی do می‌انجامد (اجر، ۲۰۰۴).

<sup>۲</sup> - Cinque

اکنون مسئله ساخت‌های همپایه را در مورد جملات موسوم به مجهول می‌آزماییم. چنانچه در چنین ساختاری، bayyen (شدن) را فعل کمکی بدانیم که در هسته گروه مجهول ادغام می‌شود و عنصر واژگانی پیش از آن را فعل اصلی در نظر بگیریم که هسته گروه فعلی بزرگ را تشکیل می‌دهد، انتظار می‌رود که همچون نمونه‌های بالا، به دلیل ارتقاء و انضمام فعل واژگانی به فعل کمکی، پس از حذف گروه فعلی کوچک در ساخت‌های همپایه، هر دو عنصر فعلی یادشده به‌جای بمانند و حذف یکی و حفظ دیگری به ساختی غیردستوری بینجامد. جمله دستوری (16) در زیر این پیش‌بینی را تأیید نمی‌کند:

16. diruz vešun-e sere barut bayye, ?ammâ bâq nayye.  
yesterday their-Ez. house sold became, but garden Neg-became-3Sg.  
'Their house was sold yesterday, but the garden was not.'

در واقع، جمله (16) نشان می‌دهد که مجموعه فعل bayyen و عنصر واژگانی پیش از آن رفتار نحوی کاملاً متفاوتی با فعل‌های کمکی و اصلی در ساختی مانند (15) دارند و برخلاف آنچه در مورد ساخت‌های گذشته کامل و التزامی مشاهده شد، در ساخت‌های همپایه عنصر واژگانی به همراه گروه فعلی کوچک حذف می‌شود. از این منظر، این عنصر مانند جزء واژگانی ساخت محمول نامفعولی مرکب به نظر می‌رسد که پیش از فعل «ربطی» bayyen آشکار می‌شود و در ساخت‌های همپایه به همراه عناصر درون گروه فعلی کوچک حذف می‌شود:

17. Ali väreš-e dele mariz bayye, vali men nayme.  
Ali rain-Ez. in ill became, but I Neg-became-1Pl.  
'Ali was taken ill in the rain, but I wasn't.'

همین رفتار نحوی را در دیگر فعل‌های مرکب نیز می‌توان مشاهده کرد. برای مثال، در فعل مرکب du bayten (دویدن) در جمله زیر، جزء واژگانی (du) در ساخت همپایه حذف شده و فعل سبک (bayten گرفتن) به‌جای مانده است. در نتیجه، عنصر فعلی در مرحله‌ای از اشتقاق نحوی از درون گروه فعلی کوچک خارج شده و جزء واژگانی خود را به جای گذاشته است:

18. Ali tã sere du bayte, men nayteme.  
Ali to house run caught, I Neg-caught-1Sg.  
'Ali ran all the way home, but I didn't.'

در مجموع، از مقایسه ساخت‌های (15) تا (18) چنین برمی‌آید که فعل bayyen در ساخت‌های موسوم به مجهول در واقع فعل سبک - و نه کمکی - است که به همراه جزء واژگانی پیش از خود محمول نامفعولی مرکب می‌سازد. این جزء واژگانی می‌تواند حرف اضافه، اسم، صفت، یا

آن‌گونه که در جمله (16) مشاهده می‌شود، صورت صفت مفعولی یک فعل متعدی باشد که طبق نمودار ۴ هسته گروه محمول مرکب (PredP) را تشکیل می‌دهد.

#### ۴-۳- نشانه نفی

توزیع نشانه نفی در جملات گویش ساروی و جایگاه فرافکن بیشینه آن (NegP) نیز شاهدهی در رد وجود ساخت مجهول در این گویش فراهم می‌آورد. در تحلیل‌های متأخر زبان‌شناسان (از جمله پالاک<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹؛ هگمن، ۱۹۹۶) پیشنهاد شده است که عنصر نفی جمله، هسته نقش‌نمایی است که مقوله گروهی خود را فرافکن می‌کند. بدین ترتیب، فرافکن بیشینه نفی شامل گره مشخص‌گر و یک هسته نقش‌نماست. در تحلیل حاضر، جایگاه این فرافکن در گویش مورد نظر (به پیروی از کریمی ۲۰۰۰: ۵۸) بلافاصله بر فراز گروه فعلی کوچک در نظر گرفته شده و به نظر می‌رسد که این جایگاه در چارچوب تحلیلی که تاکنون از ساخت‌های مختلف ارائه شده است، پیش‌بینی صحیحی از تظاهر عنصر نفی در جملات گویش ساروی به دست می‌دهد.

در بررسی ساخت‌های موسوم به مجهول در ساروی، نخست به چگونگی توزیع نشانه نفی در این گویش می‌پردازیم. همان‌گونه که جملات زیر نشان می‌دهند، در ساخت‌های دارای فعل کمکی، نشانه نفی بر روی فعل اصلی (واژگانی) - و نه کمکی - تظاهر می‌یابد:

- 19 (a). Ali sere-re narute bi?e.  
 Ali house-re Neg-sold had-3Sg.  
 'Ali had not sold the house.'
- (b). Ali šayad sere-re narute bu?e.  
 Ali maybe house-re Neg-sold might-3Sg.  
 'Maybe Ali has not sold the house.'

در هر دو جمله (19a) و (19b) نشانه نفی بر روی فعل واژگانی آشکار شده است. در این میان، چنانچه فعل bayyen (شدن) را نیز فعل کمکی بدانیم و عنصر واژگانی پیش از آن را هسته گروه فعلی در نظر بگیریم، انتظار می‌رود که به سیاق جمله‌های بالا، عنصر نفی بر روی فعل واژگانی تظاهر یابد. جمله (20) در زیر این پیش‌بینی را تأیید نمی‌کند:

20. diruz vešun-e sere barut nayye.  
 yesterday their-Ez. house sold Neg-became-3Sg.  
 'Their house was not sold yesterday.'

<sup>۱</sup> - Pollock

چنان که جمله بالا نشان می‌دهد، عنصر نفی بر روی فعل bayyen تظاهر یافته است که در نتیجه، از مقایسه این جمله با جمله‌های (19a) و (19b) می‌توان دریافت که عنصر واژگانی پیش از bayyen هسته گروه فعلی نیست. به سخن دیگر، فعل مورد نظر نه هسته گروه بیشینه مجهول، که در واقع فعل سبک و هسته گروه فعلی کوچک است که به همراه عنصر واژگانی پیش از خود یک محمول مرکب (نامفعولی) را تشکیل داده است. تظاهر عنصر نفی بر روی جزء فعلی دیگر محمول‌های مرکب (نامفعولی یا جزء آن) این نکته را تأیید می‌کند:

21 (a). Ali mariz nayye.

Ali ill Neg-became-3Sg.

'Ali was not taken ill.'

(b). Ali tā sere du nayte.

Ali to house run Neg-caught-3Sg.

'Ali didn't run all the way home.'

بدین ترتیب، عدم امکان تظاهر نشانه نفی بر روی فعل کمکی از یک سو و آشکار شدن این عنصر تنها بر روی هسته فعلی از سوی دیگر، نشان می‌دهد که فعل bayyen و جزء واژگانی پیش از آن، به همراه هم، یک محمول نامفعولی مرکب می‌سازند که در آن bayyen هسته گروه فعلی کوچک (و نه هسته گروه مجهول) و جزء واژگانی هسته گروه محمول (و نه فعل اصلی) را تشکیل می‌دهد.

اکنون، از منظری دیگر به بررسی ساخت‌های دارای فرافکن نفی می‌پردازیم و برای این منظور، نخست به تحلیل هگمن (۱۹۹۶) از جملات منفی زبان ایتالیایی اشاره‌ای می‌کنیم. هگمن (۱۹۹۶: ۱۹۷) ساخت جملات منفی زبان یادشده را چنین تحلیل می‌کند که گروه تطابق (AgrP) در این زبان بر گروه نفی مسلط است و این گروه نیز به نوبه خود بر گروه زمان تسلط دارد. فعل ایستا<sup>۱</sup> پس از حرکت به هسته زمان، به هسته تطابق می‌رود و عنصر نفی نیز به همین گره ارتقاء می‌یابد. بنابراین، گره تطابق در پایان مراحل اشتقاق بر مقوله مرکب فعل ایستا و عنصر نفی تسلط دارد. بر اساس این تحلیل، فعل از درون گروه فعلی به هسته گروه زمان می‌رود و تصریف زمان را به خود جذب می‌کند؛ سپس به هسته گروه تطابق حرکت می‌کند و تطابق شخص و شمار می‌پذیرد. سرانجام، هسته گروه نقش‌نمای نفی نیز به هسته گروه تطابق ارتقاء و اتصال می‌یابد. به گفته دقیق‌تر، هسته گروه نفی به همراه عنصر فعلی به گره هدف جابه‌جا می‌شود تا این دو عنصر سرانجام در پایان مراحل اشتقاق به همراه هم تشکیل یک سازه دهند.

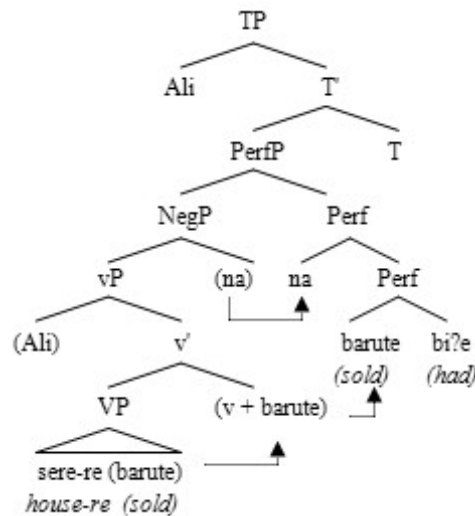
صرف نظر از جایگاه متفاوتی که برای گروه نفی ساروی پیشنهاد شده است (بر فراز گروه فعلی کوچک) و تقلیل دو گروه تطابق و زمان به یک گروه زمان که هر دو ویژگی را در خود دارد، به نظر

<sup>۱</sup> - finite

می‌رسد که همین فرایند تعمیم‌پذیر به ساخت‌های منفی این گویش باشد. برای مثال، در ساخت گذشته کامل همراه با انضمام مجموعه هسته گروه فعلی کوچک و فعل اصلی درون آن به فعل کمکی، عنصر نفی نیز از زیر گره Neg حرکت می‌کند و به ساخت حاصل از اشتقاق متصل می‌شود و گره مشابهی را بازتولید می‌کند. بنابراین، اشتقاق نحوی جمله (22a) به صورت نمودار ۸ خواهد بود:

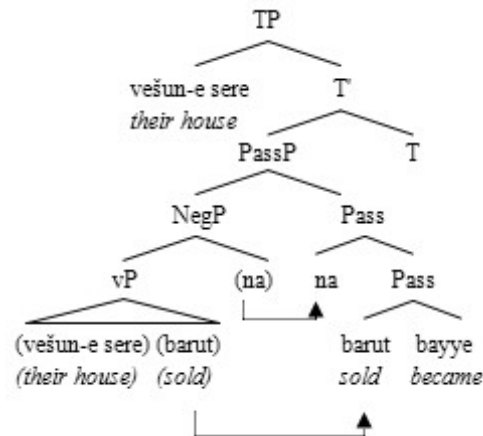
22 (a). Ali sere-re narute bi?e.  
 Ali house-re Neg-sold had-3Sg.  
 ‘Ali had not sold the house.’

نمودار ۸



اکنون این تحلیل را در ساخت‌های موسوم به مجهول بررسی می‌کنیم و برای این منظور جمله (23a) را در نظر می‌گیریم. چنانچه این جمله را دارای ساخت مجهول بدانیم، اشتقاق نحوی آن به صورت نمودار ۹ خواهد بود:

23 (a). vešun-e sere barut nayye.  
 their-Ez. house sold Neg-became-3Sg.  
 ‘Their house was not sold.’



همان‌گونه که از نمودار بالا برمی‌آید، چنانچه گویش ساروی را واجد ساخت مجهول بدانیم و bayyen را فعل کمکی‌ای در نظر بگیریم که در هسته گروه مجهول ادغام می‌شود، در ساخت‌های منفی به جای جمله خوش‌ساختی مانند (23a)، ترتیب خطی نادرست (24) به دست می‌آید(به صورت \* ن فروخته شد به جای فروخته نشد) که در آن عنصر نفی بر سر عنصر واژگانی آشکار شده است:

24.\* vešun-e sere narut bayye.  
 their-Ez. house Neg-sold became-3Sg.  
 \*‘Their house was sold not.’

بدین ترتیب، براساس دو تحلیلی که در زیربخش حاضر ارائه شده است، یعنی توزیع نشانه نفی و حرکت عنصر نفی، به نظر می‌رسد که گویش ساروی فاقد ساخت مجهول و فراقکن پیشینه‌ای با همین عنوان است. (نمودار ۹)، اگر عنصر واژگانی barut (فروخته) در هسته گروه محمول (PredP) و فعل bayyen (شدن) در هسته گروه فعلی کوچک قرار گیرد و سپس بر پایه آنچه پیشتر گفته شد، به هسته تهی گروه زمان ارتقاء یابد، ترتیب خطی درستی طبق جمله (23a) به دست خواهد آمد.

#### ۴ - ۴ - پرسش پژواکی

این آزمون با بررسی ساخت‌های «پرسش پژواکی»، به توزیع عنصر پرسش‌واژه در این گروه از جملات می‌پردازد. ساخت‌هایی که با نام پرسش پژواکی شناخته می‌شوند، از قرار گرفتن (دست‌کم) یک پرسش‌واژه به جای یکی از عناصر نحوی جمله شکل می‌گیرند. به بیانی دیگر، در این گونه از ساخت‌ها شنونده جمله خبری گوینده را با آهنگ پرسشی تکرار می‌کند و تنها به جای سازه یا سازه‌های مورد پرسش خود، پرسش‌واژه مناسبی قرار می‌دهد. افزون بر این، بررسی دقیق‌تر این گروه از جملات نشان می‌دهد که پرسش‌واژه‌ها می‌توانند جانشین عناصر اسمی و صفتی (و البته قیدی) شوند که در مشخصه مقوله‌ای [+N] مشترک‌اند:

- 25 (a). Ali mariz bayye. / Ali čiti bayye?  
 Ali ill became / Ali what became?  
 (b). Ali bene dakete. / Ali keje dakete?  
 Ali earth fell / Ali where fell?  
 (c). Ali intă-re diruz baxriye. / Ali intă-re key baxriye?  
 Ali this-re yesterday bought / Ali this-re when bought?  
 (d). Ali bum-e je daket bi?e. / \*Ali bum-e je čiti bi?e?  
 Ali roof-Ez. from fallen had / \*Ali roof-Ez. from what had?  
 (e). Ali madrese-ye je dar burde. / \*Ali madrese-ye je či burde?  
 Ali school-Ez. from particle went / \*Ali school-Ez. from what went?

در جمله‌های (a) تا (c) پرسش‌واژه جانشین عنصری با مشخصه مقوله‌ای [+N] شده (به ترتیب صفت، اسم و قید) و ساخت حاصل دستوری است، اما در جمله (d) پرسش‌واژه به جای فعل اصلی (با مشخصه مقوله‌ای [+V, -N]) در ساخت گذشته کامل نشسته و جمله‌ای غیردستوری به دست آمده است. در جمله (e) نیز پرسش‌واژه جایگزین حرف اضافه (با مشخصه مقوله‌ای [-V, -N]) در ساخت فعل پیشوندی شده و جمله حاصل نادرستی است. در مجموع، با توجه به داده‌های بالا، به نظر می‌رسد که توزیع پرسش‌واژه‌ها در گویش ساروی تابع محدودیت زیر باشد:

#### ۴-۱-۱- محدودیت توزیع پرسش‌واژه‌ها

پرسش‌واژه‌ها نمی‌توانند جایگزین عنصری با مشخصه مقوله‌ای [-N] شوند. اکنون با توجه به محدودیت فوق، ساخت‌های موسوم به مجهول را بررسی می‌کنیم. چنانچه عنصر واژگانی پیش از فعل bayyen را در این ساخت‌ها فعل اصلی بدانیم، انتظار می‌رود که جانشینی پرسش‌واژه به جای آن، ساختی نادرستی به دست دهد. با این حال، نمونه خوش‌ساخت (۲۶) صحت این پیش‌بینی را تأیید نمی‌کند:

26. vešun-e sere diruz barut bayye. / vešun-e sere diruz čiti bayye?

their-Ez. house yesterday sold became / their-Ez. house yesterday what became?

بر اساس محدودیت یادشده و نیز با مقایسه جملات (25) با (26)، به نظر می‌رسد که در ساخت بالا سازهٔ barut (فروخته) را نمی‌توان هستهٔ گروه فعلی و دارای مشخصهٔ مقوله‌ای [-N] دانست. به عبارت دیگر، ساخت این جمله مانند ساخت جمله (25a) است که در آن پرسش‌واژه جانشین بخش غیرفعلی یک محمول نامفعولی مرکب شده و از این رو، برخلاف جملهٔ پرسشی (25d) دستوری است.

### ۵- نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر نخست دو ساختار نحوی به ظاهر متفاوت، یعنی ساخت جملات نامفعولی و ساخت جملات مجهول، معرفی شد و به پیروی از رویکرد رایج در برنامهٔ کمینه‌گرا، دو اشتقاق نحوی مختلف نیز به آنها نسبت داده شد. در این روند، ضمن ارائهٔ ساختاری برای فعل‌های مرکب (نمودار ۴)، اشاره شد که محمول‌های نامفعولی می‌توانند ساده یا مرکب باشند. از سوی دیگر، گفته شد که چنانچه گویش در دست بررسی را واجد ساخت مجهول بدانیم، فعل کمکی در این ساخت در هستهٔ گروه پیشینهٔ مجهول و فعل اصلی در هستهٔ گروه فعلی قرار می‌گیرد و دومی در مراحل اشتقاق نحوی، به اولی منضم می‌شود. با این همه، بر پایهٔ شواهدی که در بخش پایانی مقاله فراهم آمد، از جمله تقابل فعل سبک و فعل کمکی، توزیع نشانهٔ نفی، حرکت عنصر نفی، و پرسش پژواکی، نشان داده شد که آنچه در این گویش ساخت مجهول به نظر می‌رسد، در واقع محمول نامفعولی مرکبی است که در آن فعل bayyen (شدن) در نقش فعل سبک (و نه فعل کمکی) در هستهٔ گروه فعلی کوچک قرار می‌گیرد و جزء واژگانی پیش از آن نیز عنصری غیر فعلی است که در جایگاه هستهٔ محمول مرکب ادغام می‌شود. بر اساس این تحلیل، دو جملهٔ زیر ساختار نحوی یکسانی دارند؛ با این تفاوت که محمول نامفعولی در اولی ساده و در دومی مرکب است<sup>۱</sup>:

27 (a). panjere beškese.

window broke-3Sg.

'The window broke.'

(b). panjere beškes bayye.

window broken became-3Sg.

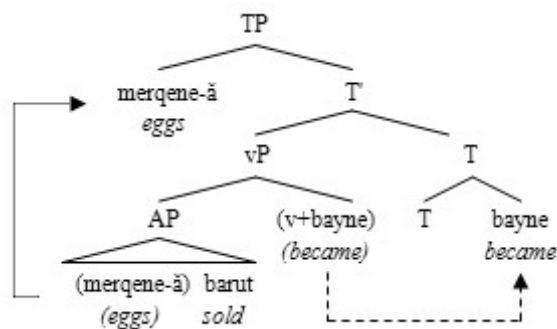
'The window was broken.'

<sup>۱</sup> - یادآور می‌شود فعل «شکستن» (با در گویش ساروی: beškessen / ?eškessen) در گروه فعل‌هایی قرار دارد که در توصیف‌های دستوری «دووچه‌ی» خوانده می‌شود (گیوی و انوری، ۱۳۶۷).

به همین ترتیب، ساخت جمله (11) که در (28a) تکرار شده است، به صورت نمودار ۷ نادرست است و اشتقاق نحوی آن را باید به گونه‌ای که در نمودار ۱۰ آمده است، اصلاح کرد:

28 (a). merqene-ä barut bayne.  
egg-s sold became-3Pl.  
'Eggs were sold.'

نمودار ۱۰



همان‌گونه که در نمودار ۱۰ ملاحظه می‌شود، barut bayne (فروخته شدند) محمول نامفعولی مرکبی در نظر گرفته شده که جزء نخست آن، یعنی صفت مفعولی، در هسته یک گروه صفتی و جزء دوم آن (فعل سبک) در هسته گروه فعلی کوچک قرار گرفته است. گروه اسمی دارای نقش معنایی کنش‌پذیر نیز از درون این گروه به مشخص‌گر گروه زمان ارتقاء یافته و ضمن بازبینی مشخصه حالت خود، مشخصه EPP هسته گروه زمان را برآورده کرده است. این نمودار کاملاً مشابه ساخت اسنادی جمله 10 و بازنمایی آن در نمودار ۶ است. در مجموع یافته‌های مقاله حاضر را می‌توان در قالب زیر جمع‌بندی کرد:

۴۳ - الف - گویش ساروی فاقد ساخت مجهول و فراقکن بیشینه مجهول است و فعل bayyen (شدن) در این گویش در هسته گروه فعلی کوچک قرار می‌گیرد.

ب - عنصر واژگانی پیش از فعل bayyen، یعنی حرف اضافه، اسم، صفت، یا صورت صفت مفعولی یک فعل متعدی، در هسته گروه محمول قرار می‌گیرد.

پ - آنچه در ساخت‌های موسوم به مجهول فعل کمکی و فعل اصلی خوانده می‌شود، در واقع محمول نامفعولی مرکبی - متشکل از یک عنصر غیرفعلی و یک فعل سبک - است که در سنت دست‌نویسی «ساخت اسنادی» نامیده می‌شود.

یافته‌های بالا بر این نکته تأکید می‌ورزند که در توصیف دستوری گویش ساروی، فعل bayyen (شدن) را در هر حال باید از فهرست فعل‌های کمکی این گویش خارج کرد و این عنصر تنها در نقش فعل ربطی تظاهر می‌یابد.

## منابع

- اشمیت، ر (۱۳۸۳) *راهنمای زبان‌های ایرانی*، ترجمه حسن رضائی باغبیدی و همکاران، تهران: ققنوس.
- پازواری، الف (۱۳۸۴) *دیوان امیر پازواری*، به اهتمام منوچهر ستوده و اودی درزی کلایی، تهران: رسانش.
- شریعت، م.ج (۱۳۶۴) *دستور زبان فارسی*، تهران: اساطیر.
- شکری، گ (۱۳۷۴) *گویش ساروی (مازندرانی)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گیوی احمدی، ح و حسن انوری (۱۳۶۷) *دستور زبان فارسی*، تهران: مؤسسه انتشارات فاطمی.
- نجف‌زاده بارفروش، م.ب (۱۳۶۸) *واژه‌نامه مازندرانی*، تهران: بلخ.
- یزدان‌پناه لموکی، ط (۱۳۷۶) *فرهنگ مثل‌های مازندرانی*، تهران: فرزین.
- Adger, D. (2004) *Core Syntax, A Minimalist Approach*, Oxford: Oxford University Press.
- Baltin, M & C. Collins (Eds) (2001) *The Handbook of Contemporary Syntactic Theory*, Oxford: Blackwell Publishers.
- Burzio, L. (1986) *Italian Syntax*, Dordrecht: Reidel.
- Chomsky, N. (1995) *The Minimalist Program*, Cambridge, Mass.: MIT Press.
- ----- (2000). "Minimalist Inquiries: The framework," in R. Martin, D. Michaels and J. Uriagereka (eds.), *Step by step*. Cambridge, MA: MIT Press, 91–155.
- Cinque, G. (1999) *Adverbs and Functional Heads*, Oxford: Oxford University Press.
- Everaert, M and H.v. Riemsdijk (2006) *The Blackwell Companion to Syntax*, Oxford: Blackwell Publishers.
- Haegeman, L. (1995) *Introduction to Government and Binding Theory*, Oxford: Blackwell Publishers.
- ----- (1996) *The Syntax of Negation*, Cambridge: Cambridge University Press.

- 
- 
- Hornstein, N., J. Nunes, and K. K. Grohmann (2005) *Understanding Minimalism*, Cambridge: Cambridge University Press.
  - (2009) *A Theory of Syntax*, Cambridge: Cambridge University Press.
  - Karimi, S. (2000) *A Minimalist Approach to Scrambling: Evidence from Persian*, University of Arizona.
  - (2005) *A Minimalist Approach to Scrambling: Evidence from Persian*, The Hague: Mouton.
  - Pollock, J. Y. (1989) “Verb movement, UG and the structure of IP”, *Linguistic Inquiry* 20, 365.
  - Radford, A. (2006) *Minimalist Syntax, Exploring the Structure of English*, Cambridge: Cambridge University Press.
  - (2009) *Analyzing English Sentences, A Minimalist Approach*, Cambridge: Cambridge University Press.
  - Taleghani, A. H. (2006) *The Interaction of Modality, Aspect and Negation in Persian*, Ph.D. Dissertation University of Arizona.

---

ساروی